

**بخش فرهنگی**– صد و پنجاه و یکمین شماره دو ماهنامه تخصصی فرهنگی، هنری و پژوهشی – گیلانشانی گیله‌وا منتشر شد. در شماره اخیر نشریه گیله‌وا مقاله‌ای از نامه عظیمی با عنوان «دکتر حشمت جنگلی به چاپ رسیده است. چهارمین قسمت از یادداشت‌های شادروان جهانگیر سرتیپ‌پور که به ادامه نهضت جنگل با کودتای سرخ، ورود قزاق‌ها، بازگشت بلشویک‌ها و مهاجرت مردم رشت می‌پردازد، از دیگر مطالب خواندنی شماره ۱۵۱ گیله‌وا است.

مقاله‌ای از محمدتقی مرتاض هجری با عنوان «آثار هنری مارلیک، نماد ظرافت و زیبایی در تمدن بشری»، نوشته‌ای از محمدتقی پوراحمد جکتاجی با عنوان «تاتی رودباری یا گیلکی رودباری» و مروزی بر کارکرد گروه داستان گیلکی خانه فرهنگ گیلان از دیگر مطالب این شماره است. شعرهایی از لیلا پورکریمی، مهرداد پیله ور خمایی، احمد جهان‌بین شالکوهی، محمد رسول ساکن نویری و محمدرضا سروش گیلاتی نیز در بخش گیلکی گیله‌وا به چاپ رسیده است.

صد و پنجاه و یکمین شماره مجله وزین گیله‌وا در ۴۴ صفحه با قیمت ۵ هزار تومان منتشر شده است.



## اولین رمان حسین رسول زاده منتشر شد

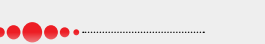
**بخش فرهنگی**– اولین رمان حسین رسول زاده، شاعر، نویسنده و منتقد ادبی منتشر شد. «پایان نامه» نخستین رمان رسول‌زاده است که از تیمه دوم دهه هفتاد به‌عنوان منتقد ادبی حضوری داشت و نقدهای او در مجلات ادبی و بعدها به صورت کتاب به چاپ رسید.

رسول زاده در رمان «پایان نامه» داستان عشقی را

روایت می‌کند که از دل فراموشی باززنده می‌شود. داستان دلدادگی یک دانشجوی ترم آخر ادبیات و یک استاد پا به سن گذاشته. داستان در سه زوایه روایت شکل می‌گیرد. عشقی که خیلی زود به ازدواج «ختم» می‌شود و در لحظاتی که آخرین نفس‌هایش را می‌کشد، با ابتلای مرد به فراموشی بار دیگر زنده می‌شود. رد پای نظریه‌های ادبی را به‌خوبی می‌توان در اولین رمان حسین رسول زاده بود. از رسول زاده پیش از این چند کتاب منتشر شده است. «به سوی خواننده‌ی مطلوب مبتلا به بی‌خوابی مطلوب» اولین کتاب او بود که در سال ۱۳۸۰ در انتشارات نیم نگاه منتشر شد. «نقد و دیوانگی» مجموعه سه مقاله و دو گفت‌وگو، دیگر کتاب نظری رسول زاده بود که در سال ۱۳۸۸ توسط انتشارات فرهنگ ایلیا به چاپ رسید.

دو مجموعه شعر رسول زاده نیز با نام‌های «کسی نخواند، این شهرها برای اوست» و «واژه‌ها خواب می‌بینند» به ترتیب در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۴ از سوی دو انتشارات پیام امروز و بوتیمار به چاپ رسید. همزمان با انتشار رمان «پایان‌نامه» نیز مجموعه‌ای از کلمات قصار به قلم رسول زاده با عنوان «تاملات ناگهانی» از سوی انتشارات حکمت کلمه به چاپ رسید.

رمان «پایان نامه» را نشر هونار در ۱۱۲ صفحه و با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر کرده است.



## مجموعه داستانی از مهدی رضازاده منتشر شد

**بخش فرهنگی**– مجموعه داستان کوتاه «زمان با دست های من» به قلم مهدی رضازاده در نشر سیب سرخ منتشر شد. مهدی رضازاده داستان نویس، شاعر و منتقد ادبی است. او تاکنون در مطبوعات ایران به ویژه گیلان، در زمینه شعر، داستان و نقد ادبی و هنری حضوری پررنگ و مستمر داشته است و بیش دهه های پنجاه تا هفتاد کارگردانی، نویسندگی و بازیگری بیش از سی نمایش را بر عهده داشته.

مهدی رضازاده به سال هزار و سیصد و سی و چهار در صومعه سرا به دنیا آمد و فعالیتش در حوزه ی نمایش را از نوجوانی آغاز کرد. پس از انقلاب اسلامی و با آغاز دهه ی شصت به شکلی جدی تر به شاعری و داستان نویسی پرداخت. از مهدی زاده تا به حال شش اثر به نام های «عقربه ها در غروب ایستاده اند»، «هنوز ناشیانه می خندم»، «دهانی که مرا نگفت»، «تابستانی که از نگاه تو ریخت»، «خشم چشم» و «تت تن» به چاپ رسیده است.

**بخش فرهنگی**– نامزدهای بیستمین

جشن بزرگ سینمای ایران به ریاست علی نصیریان در بخش‌های مختلف معرفی شدند. فیلم های «خوک» به کارگردانی مانی حقیقی و «بدون تاریخ بدون امضا» ساخته وحید جلیلودن توانستند بیشترین نامزدی را از آن خود کنند.

علی نصیریان رییس بیستمین جشن بزرگ سینمای ایران فهرست نامزدهای این رویداد را که بر اساس آرای داوران انتخاب شده اند به ترتیب حروف الفبا (نام فیلم) اعلام کرد.

در میان نامزدهای جوایز در رشته‌های بازیگری نام نوید محمدزاده هم در رشته بهترین بازیگر نقش اول برای فیلم «خفگی» و هم برای بهترین بازیگر نقش مکمل برای فیلم «بدون تاریخ، بدون امضا» به چشم می‌خورد. الناز شاکردوست نیز برای بازی در فیلم «خفگی» نامزد جایزه بهترین بازیگر نقش اول زن شده است.

اسامی نامزدها بدین شرح است:

**بهترین فیلم:**

- علی جلیلودن: «بدون تاریخ، بدون امضا»
- محمد خزاعی: «به وقت شام»
- مانی حقیقی: «خوک»
- رضا درمیشیان: «عصبانی نیستم»
- جهانگیر کوثری: «فراری»

**بهترین کارگردانی:**

- اصغر یوسفی نژاد: ائو (خانه)
- وحید جلیلودن: «بدون تاریخ، بدون امضاء»
- ابراهیم حاتمی کیا: «به وقت شام»
- فریدون جیرانی: «خفه گی»
- مانی حقیقی: «خوک»
- رضا درمیشیان: «عصبانی نیستم»

**بهترین فیلمنامه:**

- علی زرنگار و وحید جلیلودن: «بدون تاریخ، بدون امضاء»

۲- رضا مقصدوی و افرا جورابلو: «خجالت

- نکش»
- مانی حقیقی: «خوک»
- فرید مصطفوی و ابوالحسن داودی: «زادبوم»
- امیر عربی: «سارا و آیدا»
- رضا درمیشیان: «عصبانی نیستم»

**بهترین فیلمبرداری:**

- پیمان شادمان فر: «بدون تاریخ، بدون امضاء»
- مسعود سلامی: «خفه گی»
- داود امیری: «دلَم میخواد»
- فرشاد محمدی: «قاتل اهلی»
- بهرام بدخشانی: «نگار»

**بهترین تدوین:**

- مهرداد خوشبخت: «به وقت شام»
- محمدرضا موثینی و هدا موثینی: «بیست و یک روز بعد»
- بهرام دهقانی: «خفه گی»
- احمد مرادپور: «سارا و آیدا»
- حسن حسندوست: «فراری»
- بهرام دهقانی: «نگار»
- نوید محمدزاده و الناز شاکردوست در فیلم «خفگی»

**بهترین بازیگر نقش اول زن:**

- محدثه حیرت: «ئو (خانه)»
- شبنم مقدمی: «خجالت نکش»
- الناز شاکردوست: «خفه گی»
- فرشته حسینی: «رفتن»
- غزل شاکری: «سارا و آیدا»
- زهرا داودنژاد: «شماره ۱۷ سهپلا»

**بهترین بازیگر نقش اول مرد:**

- امیر آقایی: «بدون تاریخ، بدون امضاء»
- نوید محمد زاده: «خفه گی»
- حسن معجونی: «خوک»
- حامد بهداد: «سد معبر»
- نوید محمدزاده: «عصبانی نیستم»

# {فر هنگ و هنر }

# نامزدی نوید محمدزاده و الناز شاکردوست برای جوایز جشن بزرگ سینمای ایران

۵- امیر اثباتی: «هجوم»

**بهترین بازیگر نقش مکمل زن:**

- زکیه بهیمانی: «بدون تاریخ، بدون امضاء»
- پانته آ پناهی ها: «جشن دلتنگی»
- لیلی رشیدی: «خوک»
- پگاه آهنگرانی: «سارا و آیدا»
- مهتاب کرامتی: «ناخواستَه»

**بهترین بازیگر نقش مکمل مرد:**

- فرید سجادی حسینی: «ایتالیا ایتالیا»
- نوید محمد زاده: «بدون تاریخ، بدون امضاء»
- اکبر زنجانیپور: «پل خواب»
- مسعود کرامتی: «چهار راه استانبول»
- نادر فلاح: «سد معبر»
- بهرام افشاری: «کارگر ساده نیازمندیم»

**بهترین موسیقی فیلم:**

- آرمان موسی پور: «چهار راه استانبول»
- کارن همایونفر: «خفه گی»
- پیمان یزدانیان: «خوک»
- ستار اورکی: «فیلشاه»
- بهزاد عبدی: «قاتل اهلی»
- امیر معینی: «ملی و راه‌های نرفته»

**بهترین طر احی صحنه:**

- محسن نصراللهی: «بدون تاریخ، بدون امضاء»
- کامیاب امین عشایری: «بیست و یک روز بعد»
- حجت اشتری: «سد معبر»
- کیوان مقدم: «مالاریا»
- امیر اثباتی: «هجوم»

**بهترین طراحی لباس:**

- سارا سمیعی: «اسرافیل»
- کامیاب امین عشایری: «بیست و یک روز بعد»
- حسن معجونی: «خوک»
- نازنین خزانی: «تابستان داغ»
- نگار نعمتی: «خوک»

## گفت و گو با شادی کرم‌رودی، ستاره نوظهور سینما:

# الهام گرفتم!

نقش یک فرد درگیر به اعتیاد پارامترهای مشابهی را پیاده می‌کنند.

خیلی مهم است که تو به عنوان یک بازیگر واقعیت و تحقیقات را مبنا قرار دهی یا از روی یک فیلم الگوبرداری کنی. اگر بازیگر برای ایفای نقش یک معناد به تماشای فیلم و مرور نقش‌هایی شبیه به آن بسنده کند طبیعتاً کلیشه آن هم از نوع دست چندم اتفاق می‌افتد اما زمان یکه مبنای رسیدن به نقش تحقیقات می‌شود و تو از نزدیک با جامه‌ای که مبتلا به آن معضل است برخورد می‌کنی، علت وجودی کاراکتر در فیلمنامه را می‌فهمی و او را بهتر درک می‌کنی. همچنین می‌توانی بازی ماندگارتری را ارائه دهی. من ایفاگر نقش اصلی «دارکوب» نبودم اما در طول تمرینات شاهد این بودم که سارا بهرامی برای رسیدن به نقش، هر روز تحلیل می‌رفت و این است که او این چنین با نقش مهسا می‌درخشد.

♦ **در جریان برخورد با مصرف‌کنندگان و تحقیقات میدانی با فردی برخورد کردید که آن را به عنوان ما به ازای نقش تینا قرار دهید و از آن الهام بگیرید؟** کاراکتر تینا شرایط خاصی داشت. دختر کم سن و سالی که باردار و درگیر اعتیاد است. من در جریان تحقیقات با دختری مواجه شدم که شرایطی شبیه به تینا داشت. البته در حال حاضر ترک کرده است. نمی‌گویم صددرصد او را دیدم و مقابل دوربین پیاده کردم اما از او الهام گرفتم. کسی که از او صحبت می‌کنم به لحاظ ظاهری شباهت‌هایی با من داشت و همین مسئله سبب شد به راحتی با او ارتباط برقرار کنم اما در کل تماماً تحت تاثیر او نبودم چرا که من بر مبنای فیلمنامه‌ای پیش‌نویشته شدم جلو می‌رفتم و طبیعتاً خیلی کم پیش می‌آید ما به ازای نقشی که در فیلمنامه وجود دارد در واقعیت هم باشد به همین دلیل بیشتر از آن شخصیتی که در واقعیت وجود داشت الهام گرفتم.

♦ **سینمای بعد از انقلاب در فیلم‌های متعددی چه به صورت موضوع اصلی و چه در حاشیه به معضل اعتیاد پرداخته است. فکر می‌کنید نگاه و پرداخت سینما به این معضل تا چه اندازه قابل قبول بوده است؟**

پرداخت به این مسئله در سینما هنوز خیلی جای کار دارد. نه تمام آثار مربوط به این معضل اما بخش قابل توجهی از فیلم‌ها ساخته شده درباره اعتیاد، فرد مصرف‌کننده را از یک خانواده متوسط که در خانه و با بعضا در کنار خانواده زندگی می‌کند، نشان می‌دهد. کسی که اصلاً درگیر کارتن‌خوابی یا گرمخانه‌ها نیست. این که اعتیاد داشته باشی و خانواده در کنارت قرار بگیرد و بخواهد تو را از آن شرایط بیرون بکشد یک موهبت است اما همه مصرف‌کنندگان چنین شرایطی را ندارند. ما در «دارکوب» به سراغ کسانی رفتیم که اعتیاد را در شرایط متفاوتی تجربه می‌کنند و جای پرداخت به آنها در سینما همچنان وجود دارد. ♦ **یعنی شکل‌های متفاوت و حتی فاجعه‌گونه‌ای از اعتیاد وجود دارد که هنوز در سینما به آن نپرداختیم؟** من به عنوان فردی که در تهران زندگی می‌کنم از این فضا که در گوشه دیگر این شهر است دور بودم. در سینمای مستند به خیلی از زوایای اعتیاد به خصوص اعتیاد در زنان پرداخته شده اما در سینمای داستانی نه. نمونه‌های خوب سینمای داستانی فیلم‌هایی چون «سننوری»، «همان مامان»، «خون بازی» و … است اما در همین فیلم‌ها نیز یک مصرف‌کننده در چهارچوب خانه است. ♦ **خیلی‌ها روی فیلم «دارکوب» این برچسب را زدند که فیلم تلخی است؛ چقدر با این گزاره در مورد فیلم موافقتید؟** «دارکوب» برای من که بازیگر آن بودم و در مراحل تحقیقات حضور داشتم فیلمی با روزنه امید به اصلاح است. به نظرم بهروز شعبی به دنبال امید در این طبقه و قشر گشته بود، تصویر کردن چنین شرایطی با لحاظ این که امید در آن جریان داشته باشد کار بسیار سختی بود که آقای شعبی از پس آن بر آمد. درست است که مهسا به خاطر اشتباهات گذشته نتوانست به خواسته‌اش برسد اما شور و انگیزه‌ای که در کاراکتر مهسا وجود داشت دلیلی که آن را به سمت ترک کردن برد همه و همه نشان از امید دارد و باعث می‌شود این فیلم تلخ نباشد. «دارکوب» مسلماً سکانس‌هایی دارد که مخاطب را تحت تاثیر قرار می‌دهد و حتی من که در آن بازی کردم با دیدن آن صحنه‌ها اشک می‌ریزم اما این رویه و ظاهر فیلم است و مفهوم اصلی‌آن اصلاً تلخ نیست بلکه امید را در دل خود جای داده است.

## دوشنبه ۱۵ مرداد ۱۳۹۷

### خبرها

## همایون شجریان به جای خیابان‌های تهران در ترکیه کنسرت می‌دهد

**بخش فرهنگی**– گروه موسیقی شمس به سرپرستی و آهنگسازی کیخسرو پورناظری اوایل دی به خوانندگی همایون شجریان کنسرتی را در فستیوال موسیقی «صوفیه» برگزار می‌کند. به گزارش خبرگزاری خبرگزاری خبرآنلاین، گروه موسیقی شمس به سرپرستی و آهنگسازی کیخسرو پورناظری اوایل دی ماه به خوانندگی همایون شجریان کنسرتی را در فستیوال موسیقی صوفیه قونیه برگزار می‌کند. این برنامه نخستین اجرای همایون شجریان با همراهی گروه تنبور شمس بوده و قرار است آثاری جدید از ساخته‌های کیخسرو پورناظری در این فستیوال اجرا شود.

حسین رضایی‌نژاد، آزاد میرزاپور، آیین مشکاتیان، کاوه گرایلی، کیمیا جمشید، دنیا کمالی و سپهر رامین گروه اجرایی این کنسرت را تشکیل می‌دهند. گروه موسیقی شمس از جمله گروه‌های موسیقی اصیل ایرانی است که از سال ۱۳۵۹ به سرپرستی کیخسرو پورناظری فعالیت‌های خود را شروع کرده و تاکنون آثاری چون «صدای سخن عشق»، «مطرب مهتاب رو»، «حیرانی»، «پنهان چو دل»، «افسانه تنبور» و «بر سماع تنبور» را منتشر کرده است.



## دومین مجموعه شعر نسترن بشردوست منتشر شد

**بخش فرهنگی**– مجموعه شعر «اعترافات» سروده‌ی نسترن بشردوست منتشر شد. اعترافات مجموعه ۵۲ شعر از بشردوست است که در قالب شش دفتر و در کتابی ۹۰ صفحه‌ای از انتشارات نصیرا منتشر شده است.

بشردوست در شعرهای این کتاب، به مفاهیم عشق، جدایی و جنگ نگاه متفاوتی داشته که حاصل آن شعرهایی بکر است که می‌تواند مخاطب را تا صفحه آخر کتاب با خود همراه کند.

در یکی از شعرهای کتاب می‌خوانیم: «من انسان خوبی هستم/ هر روز به موقع بیدار می‌شوم/ یاد گرفته‌ام برای سستن/لباس‌های رنگی را از لباس‌های سفید جدا کنم/ - من جدا کردن را یاد گرفته‌ام -/ یاد گرفته‌ام خط اتوی منقعه/ یا خط اتوی شلوار فرق دارد/ - من فرق داشتن را یاد گرفته‌ام -/ یک سبب پوسیده/همه‌ی سیب‌ها را می‌پوساند -/ من پوسیدن را یاد گرفته‌ام/ - یاد گرفته‌ام پیش از باز کردن در/ از آن چشمی‌اش نگاه کنم / مبادا تو باشی/ - من ترس را یاد گرفته‌ام/ یاد گرفته‌ام/ یاد گرفته‌ام -/ پس من انسان خوبی هستم/ اما/ من … من … چطور بگویم … من/ یک… نفر… را کشته‌ام/ نه کسی می‌داند/ نه کسی می‌شناسدش…» شاعر مجموعه اعترافات در بعضی شعرهایش کوشیده با متن‌های دیگر هنری از مجله آثار سینمایی و شخصیت‌هایی که در ذهن شاعر مانده‌اند، ارتباطی بینامتنی برقرار کند. نمونه آن شعر اول کتاب است که به ناظم حکمت تقدیم شده. اما به رغم مکالمه با شاعر ترک تبار، شعر ماهیت مستقل خود را حفظ می‌کند.

از نسترن بشردوست پیش از این مجموعه شعر «لطفن به احترام این شعر بلند شوید» در انتشارات بوتیمار به چاپ رسیده بود.



«**تاملات ناگهانی»**

## گزین‌گویه یک نویسنده و منتقد ادبی

**بخش فرهنگی**– کتاب «تاملات ناگهانی» مجموعه گزین‌گویه حسین رسول زاده در انتشارات حکمت کلمه منتشر شد. این کتاب مجموعه‌ای ۸۴ گزین‌گویه از رسول زاده، نویسنده، شاعر و منتقد ادبی است که در آن نویسنده تلاش کرده بیش از آنکه به سیاق گزین‌گویه‌ها معمول، نتیجه‌گیری کند، پرسش ایجاد کند. حتی اگرچه اکثریت قریب به اتفاق آنها، در قالب جملات خبری نوشته شده‌اند، با این حال مخاطب پس از خواندن این گزین‌گویه‌ها درباره مفاهیم قطعی به فکر فرو می‌رود. در واقع گزین‌گویه‌ها رسول زاده در صفحات به پایان نمی‌رسند، بلکه در ذهن مخاطب ادامه پیدا می‌کنند. «گزین‌گویه» عمری به درازای تاریخ تفکر دارد. اولین گزین‌گویه را به بقراط حکیم نسبت می‌دهند که در قرن چهارم و پنجم پیش از میلاد مسیح می‌زیست. او اولین رساله‌های پزشکی‌اش را به شکل گزین‌گویه یا همان آفورسیم نوشت. آفورسیم در برابر اکسیوم (اصل بدیهی) قرار دارد. در واقع ریشه آفورسیم یا گزین‌گویه در تجربه و عادت است اما اکسیوم‌ها نیاز به اثبات علمی دارند. در طول تاریخ گزین‌گویه‌ها بخش مهمی از فلسفه و ادبیات بوده‌اند و فلسفه‌ای نظیر نیچه و کیرگلگارد نیز از این امکان بهره بسیاری بردند.

مروزی چند گزین‌گویه از کتاب «تاملات ناگهانی» به قلم حسین رسول زاده:

– خاطرات، حاصل زندگی نیست، بلکه این زندگی است که حاصل خاطرات است.

– «متن» روایی «اثر» شدن را در سر می‌پرواند و «اثر» در حسرت متن شدگی، تنگنای قفسه‌ها را تحمل می‌کند.

– روزی که برگشتم خوشحال بودم درست مثل روزی که می‌رفتم، اکنون اینجا دلم گرفته است درست مثل روزهایی که آنجا بودم.

– یگانه پنهانی مرگ، زندگی ست. روزی این پنهانه را

از او می‌گیرم
کتاب «تاملات ناگهانی» در ۸۸ صفحه و با قیمت ۱۰ هزار تومان منتشر شده است.